

مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ  
سال چهاردهم، شماره‌ی پنجاه و چهارم، زمستان ۱۴۰۱، صص ۱۶۳-۱۴۱  
(مقاله علمی - پژوهشی)

## مسئله بهداشت حمام‌های تهران در دوره رضا شاه (با تأکید بر روزنامه اطلاعات؛ ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰)

میثم غلامپور<sup>۱</sup>، علیرضا ملائی توانی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از گفتمان‌های نوسازی دوره رضاشاه، بهداشت و کارکردهای آن بود که در گفتار صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران آن دوره بازتاب فراوانی یافته است. بررسی وضعیت بهداشت حمام‌های عمومی با توجه به نوع کارکرد و پیوستگی با زندگی روزانه مردم تهران و نیز چالش‌هایی که برانگیخته است، مسئله پژوهش حاضر به شمار می‌رود. پرسش اصلی این است که برای ارتقاء بهداشت حمام‌های تهران در آن دوره چه اقداماتی صورت گرفت؟ این اقدامات، چه واکنش‌هایی ایجاد کرد و چه دستاوردهایی در پی داشت؟ نتایج بررسی و تحلیل داده‌های روزنامه اطلاعات و ارزیابی روند اصلاح و تغییر حمام‌های تهران نشان می‌دهد که تجهیز آن‌ها به دوش و مسدود کردن خزینه‌ها مهم‌ترین دستاورد نوسازی حمام‌های تهران بوده است. این تغییرات، بدون فراهم کردن بستر این کار یعنی لوله‌کشی سراسری و نیز بدون در نظر گرفتن باورهای حاکم بر مردم زمینه‌ساز چالش‌های تازه شد که در این مقاله به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود.

واژه‌های کلیدی: حمام، استحمام، دوره پهلوی، بهداشت، دوش، خزینه

۱. دانشجوی دکتری ایران‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران. meysam.ghr@gmail.com

۲. استاد گروه تاریخ، پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول) mollayinet@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲۸ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۱۳

## مقدمه

گفتمان پرهیز از آلودگی و ضرورت رعایت بهداشت که از دوره مشروطه به تدریج وارد فضای عمومی کشور شد، در دوره رضا شاه به یکی از جدی‌ترین مباحث روزنامه‌ها مبدل شد. برجسته شدن چنین مسئله‌ای در آن دوره، ناشی از بسط فرآیند مدرنیته در ایران و نیز الزامات نوسازی کشور بود. بارزترین میدان این مواجهه که آشکارا با فرهنگ عمومی برخورد داشت، نوسازی یا تغییر سبک حمام‌های عمومی کشور بود، که مستقیم با پاکیزگی بدن پیوند داشت. در نتیجه طرح‌های متعددی مصوب شد و به اجرا درآمد. در این میان، شهر تهران به علت اینکه پایتخت بود سریع‌تر و عمیق‌تر از سایر شهرها به میدان این تغییرات تبدیل شد. مسئله پژوهش حاضر، ارزیابی نسبت نوسازی با بهداشت حمام‌ها در شهر تهران و پیامدهای آن است. پرسش این است که چرا حکومت پهلوی به ارتقاء سطح بهداشت حمام‌های تهران همت گماشت و اقدامات حکومت چه روندی را طی کرد؟ با چه چالش‌هایی مواجه شد؟ و چه دستاوردهایی بر جای گذاشت؟

تاکنون درباره تحولات حمام‌های عمومی شهر تهران در دوره رضا شاه پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. با این همه، چند مقاله درباره این موضوع می‌توان یافت: در مقاله «بلدیه و بهداشت عمومی در دوره پهلوی اول» اشاره‌ای مختصر به حمام‌ها شده است (ترابی فارسانی و ابراهیمی، زمستان ۱۳۹۳: ۷۹ تا ۹۶). همچنین مقاله «مردم‌نگاری فرآیند تغییرات حمام در تهران» با نگاهی مردم‌شناسانه به موضوع حمام پرداخته است، اما تحولات حمام‌های عمومی در دوره رضاشاه را مورد بحث قرار نداده است (بردیاfer و دیگران، بهار ۱۳۹۹: ۲۷ تا ۵۲). در مقاله «بهداشت حمام‌های عمومی در دوره معاصر و نقش شهرداری‌ها؛ مطالعه موردی: شهر اصفهان» ضمن نگاهی متفاوت نسبت به مقاله حاضر، وضعیت حمام‌های شهر اصفهان به طور خاص بررسی شده است و دوره زمانی گسترده‌تری در بر گرفته شده است (رجایی، بهار و تابستان ۱۳۹۳: ۴۷ تا ۷۱). بنابراین، درباره موضوع خاص این پژوهش همچنان با خلأ پژوهشی مواجهیم.

ابهام‌های موجود در این زمینه، نگارندگان را واداشت برای فهم بهتر روند تغییر و

نوسازی حمام‌های عمومی شهر تهران، با اتکا به مطالب روزنامه اطلاعات از سال ۱۳۰۵ تا ۱۳۲۰ به توصیف و تحلیل این موضوع پرداختند. نگارندگان افزون بر حدود ۳۰ هزار صفحه مطلب روزنامه اطلاعات، از سایر منابع نیز به اقتضای موضوع استفاده کرده‌اند. روزنامه نیمه‌رسمی اطلاعات که به حکومت نزدیک بود، به واسطه دسترسی بیشتر به اخبار و داده‌ها، تداوم انتشار و همچنین شکل حرفه‌ای اطلاع‌رسانی منبع فوق‌العاده‌ای برای این پژوهش است.

نگارندگان بر این باورند که فرآیندهای تغییر در حمام‌های عمومی تهران را باید در پیوند با نوسازی‌های دوره رضاشاه، گسترش تدریجی مدرنیته در ایران و نوع مواجهه جامعه ایران با آن تحلیل کرد. بنابراین، بین پیدایش و توسعه نهادهای مدرن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از یکسو و استحاله تدریجی نهادهای قدیمی و سنتی از سوی دیگر نوعی انطباق‌گریزناپذیر کاربردی و عام صورت پذیرفت. هماهنگی یا انطباق بین این دو فرآیند، تنها از رهگذر فعالیت طبقات متوسط جدید، که عامل عمده تغییر فرآیند گذار از سنت‌گرایی به مدرنیسم بودند، میسر می‌شد؛ زیرا این طبقات از نگرش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای رفتاری جدیدی در قلمروهای گوناگون زندگی اعم از اقتصاد، سیاست، آموزش، بهداشت، خانواده و طبقات اجتماعی برخوردارند، که با مقتضیات کاربردی نهادهای جدید جامعه در حال گذار سازگار می‌شوند، اما به همان نسبت واکنش نیروهای سنت‌گرا را برمی‌انگیزد.

در این مقاله به جلوه‌هایی از این رفتارها درباره حمام‌های عمومی تهران خواهیم پرداخت.

### الف) بهداشت؛ مسئله روز

نخستین و مهم‌ترین وجه کارکرد حمام‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها، کارکرد بهداشتی آن‌ها در برآوردن نیاز انسان به شست‌وشوی بدن است. در کنار چنین کارکردی، در فرهنگ سنتی استحمام ایرانیان مسئله سلامت و تعامل اجتماعی نیز به شکلی پررنگ جلوه‌گر بود.<sup>۱</sup> هر چند نسبت به وضع بهداشتی حمام‌ها در قدیم انتقادهایی وجود

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره کارکرد بهداشتی سلامتی و دیگر کارکردهای فرهنگ سنتی استحمام

داشت، اما در دوره جدید نوع و ماهیت این نقدها تغییر کرد. بسط مدرنیته در ایران و نوسازی، متأثر از تحولات غرب در عرصه‌های گوناگون از جمله پاکیزگی و بهداشت، یکی از عوامل تقویت این نقدها بود. موضوع بهداشت که از دوره مشروطه به گفتمان نوگرایان تبدیل شده بود، در دوره رضا شاه در بسیاری از صحبت‌ها و نوشته‌ها به کار می‌رفت و از جمله مسائل روز بود.<sup>۱</sup>

در مطبوعات دوره پهلوی همواره یادداشت‌ها و مقالاتی درباره بهداشت و اهمیت آن منتشر می‌شد. برخی از این نوشته‌ها ترجمه‌هایی بودند که بیشتر از ماهنامه بهداشت آمریکا برگردان می‌شدند و به زبان ساده مسائل مرتبط با سلامتی و بهداشت را بیان می‌کردند (حجازی، ۱۷ مرداد ۱۳۱۸: ۵). بخش دیگری از مباحث بهداشتی در این دوره ذیل عنوان حفظ‌الصحه مطرح می‌شد. چنان‌که کتاب *حفظ‌الصحه زنان و دختران* به قلم مرتضی گل‌سرخ (بی‌تا) و کتاب *بھی‌نامه* نوشته دکتر عبدالله سینا (۱۳۱۷) نمونه‌ای از آن هستند.

تمرکز بر مسئله بهداشت موجب شد تا از میکروب سخن به میان آید و این واژه به مرور در ادبیات فارسی نهادینه شود. در مطبوعات دوره رضا شاه نوشته‌های مختلفی به میکروب اختصاص یافت؛ نمونه این نوشته‌ها مطلب دنباله‌دار «میکروب؛ دشمنان غیرمربی» با ترجمه و نگارش عبدالمجید بدیع است، که به نقش میکروب در زندگی انسان‌ها پرداخت (بدیع، ۱۱ دی ۱۳۱۴: ۲؛ همان، ۱۳ دی ۱۳۱۴: ۲؛ همان، ۱۴ دی ۱۳۱۴: ۲). افزون بر این، درباره میکروب کتاب‌هایی چون «میکروب‌شناسی میر» به قلم دکتر حسن میردامادی منتشر شد، که از آن به مثابه «نخستین کتاب میکروب‌شناسی پارسی» یاد شده است (۱۳۱۵).

---

ایرانیان نگاه کنید به: ملائی‌توانی، علیرضا، غلامپور، میثم (پاییز ۱۳۹۳)، «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه از آغاز تا مشروطه» *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۲۱، ص ۱۲۱ تا ۱۴۲.

۱. البته پیش از این دوره، در عصر قاجار دغدغه بهداشت کم و بیش وجود داشت و به نظر می‌رسد این دغدغه به مرور و به‌طور طبیعی گسترده‌تر و عمومی‌تر شده است. دستورالعمل‌های امیرکبیر و دستورهای ناصرالدین شاه برای پاکیزگی تهران و وضع قوانین شهری و مقررات بهداشتی و بازرسی اماکن عمومی از جمله اقدامات بهداشتی دوره قاجار بودند (فلور، ۱۳۸۶: ۲۹۵ تا ۳۰۴).

در پنج ساله پایانی دوره رضاشاه چندین سخنرانی با موضوع بهداشت و سلامت برگزار شد و اخبار آن به روزنامه‌ها راه پیدا می‌کرد. در سال ۱۳۱۵ در دانشکده علوم معقول و منقول تهران و مؤسسه وعظ و خطابه، مجموعه خطابه‌هایی ارائه شد، که در هر یک از آن‌ها به یک موضوع و رشته تحصیلی پرداخته می‌شد و ارائه هر کدام از این خطابه‌ها بر عهده یکی از چهره‌های سرشناس آن دوره بود. از میان دوازده خطابه، یکی نیز به موضوع حفظ‌الصحة اختصاص داشت و تدریس آن با امیرخان امیراعلم، پزشک و سیاستمدار دوره قاجار و پهلوی بود. امیراعلم در این خطابه، درباره حفظ‌الصحة و اسلام سخن گفت (روزنامه اطلاعات، ۷ مهر ۱۳۱۵: ۱؛ همان، ۲۹ آذر ۱۳۱۵: ۸)؛ موضوعی که پیش‌تر در رساله دکترای خود در دانشکده پزشکی لیون فرانسه به آن پرداخته بود.<sup>۱</sup>

#### ب) بهداشت حمام‌ها؛ از توصیه بهداشتی تا تشکیل شورای عالی صحتی

در سراسر دوره رضاشاه، بخش مهمی از مباحث درباره بهداشت به حمام و استحمام ارتباط داشت.<sup>۲</sup> روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۷، با توصیف وضعیت بهداشتی شهر تهران، به انتقاد از وضع حمام‌ها و ضرورت تغییر در آن‌ها پرداخت و نویسنده این تغییر احتمالی را با تجدد پیوند داد و آن را «موجب نشر تمدن و درک یک تجدد اجباری» در اقشار پایین دست جامعه دانست (همان، ۱۲ آبان ۱۳۰۷: ۱). به دنبال آن، همین روزنامه در قالب «توصیه‌های بهداشتی» در سلسله مقالاتی با عنوان کلی «اصلاحات اجتماعی» از ضرورت توجه به استحمام در حمام‌های عمومی نیز سخن راند (همان، ۱۵ آذر ۱۳۰۷: ۱). همچنین برای پیشگیری از بیماری‌هایی مانند سیفلیس، توصیه‌های مراقبتی و بهداشتی مربوط به حمام‌ها و حمامی‌ها منتشر شده است (پویا، ۲ دی ۱۳۱۰: ۱).

در پنج ساله نخست پهلوی اول، در پی شیوع بیماری وبا، که روزانه موجب

---

۱. متن این رساله به زبان فرانسه بود و بعد ترجمه فارسی آن در قالب کتاب به چاپ و تجدید چاپ رسید (امیراعلم، ۱۳۳۷: ۲ و ۳).

۲. زمره‌های اصلاح حمام‌ها از نظر بهداشتی، سال‌ها در میان بخش‌هایی از اهالی حکومت یا روشنفکران، حتی در منبرهای دوره قاجار، همین‌طور در روزنامه‌های آن دوره و نیز در برنامه انجمن‌های آن زمان مطرح بوده است (یغما، خرداد ۱۳۳۹: ۱۵۸؛ خرابی، ۱۳۸۶: ۲۷۸ و ۲۷۹).

جان باختن تعداد زیادی می‌شد، (روزنامه اطلاعات، ۱۵ مرداد ۱۳۰۶: ۱؛ همان، ۲۱ شهریور ۱۳۰۶: ۳)، انتقاد از وضعیت حمام‌ها از مرحله توصیه‌های بهداشتی فراتر رفت؛ چنان‌که به صاحبان حمام‌ها دستور داده می‌شد به نظافت حمام‌هایشان بپردازند (همان، ۲۸ مرداد ۱۳۰۶: ۲) و بی‌درنگ در نقاط مختلف تهران اداره بلدی به سرکشی و بازدید مستمر از حمام‌ها و اماکن دیگر مانند قهوه‌خانه‌ها پرداخت (همان، ۳ دی ۱۳۰۷: ۲؛ همان، ۲۴ فروردین ۱۳۰۹: ۳). اسنادی از گزارش‌های انتقادی مأموران بلدی به سرکشی‌ها و وضعیت غیربهداشتی حمام‌های عمومی بر جای مانده است.<sup>۱</sup> درباره اینکه این سرکشی‌ها چقدر به اصلاح وضعیت حمام‌ها منجر شده است، نمی‌توان به روشنی اظهار نظر کرد.

در سال ۱۳۰۹، اداره صحیه و خیریه و معاونت عمومی بلدی، برای کنترل هر چه بیشتر اوضاع بهداشتی حمام‌های عمومی، نظام‌نامه مفصلی با عنوان «نظام‌نامه حمام‌ها» منتشر کرد.<sup>۲</sup> این نظام‌نامه شامل شیوه‌نامه‌ای برای حفظ پاکیزگی بخش‌های مختلف حمام از جمله خزینه‌ها، وسایل شست‌وشو و نیز چگونگی رعایت بهداشت و سلامت کارگران حمام و حتی مشتریان بود. بر پایه این نظام‌نامه، تمامی صاحبان حمام‌های عمومی مکلف شدند نسخه‌ای از آن را در سرینۀ حمام‌هایشان نصب کنند و مسئولیت قانونی تخلف از اجرای دستورالعمل‌ها را نیز بپذیرند (همان، ۱۹ آبان ۱۳۰۹: ۳؛ بلدی، آبان ۱۳۰۹: ۳۱ تا ۳۳).

اندکی پس از انتشار این نظام‌نامه، در مطبوعات سراسری خبری منتشر شد که نشان از برنامه اداره صحیه و خیریه و معاونت عمومی بلدی برای پیگیری سلامت و بهداشت کارگران شهری، از جمله کارگران حمام‌ها داشت. این اداره در صدد برآمد دفترچه‌هایی با عنوان «کتابچه تصدیق صحی» بین کارگران پخش کند. کارگرانی که این کتابچه را داشتند، باید ماهانه برای معاینه به پزشک مراجعه می‌کردند و نتیجه معاینه پزشک در

۱. مثلاً درباره آلودگی محیط حمام شیخ عباس در گذر صابون‌پزخانه تهران ر.ک: ساکما، سند شماره ۲۹۸/۶۳۴۱۸.

۲. البته پیشینه وضع مقررات بهداشتی برای بهبود اوضاع حمام‌های عمومی به پیش از دوره پهلوی برمی‌گردد و در دوره قاجار نیز شاهد چنین اقداماتی هستیم (فلور، ۱۳۸۶: ۲۹۹ و ۳۰۰)، که بعدها ادامه و به اقتضای زمانه گسترش پیدا کرد.

صفحات سفید کتابچه ثبت می‌شد تا مأموران بهداشتی که برای سرکشی سراغ کارگران می‌رفتند، مستندات آن را بررسی کنند (روزنامه اطلاعات، ۲۲ آذر ۱۳۰۹: ۲). از جزئیات اجرا و سرانجام این برنامه اطلاع روشنی در دست نیست، اما بی‌گمان، معاینه کارگران حمام‌ها در همان زمان آغاز شده است. این را می‌توان از اخبار آذر ماه ۱۳۰۹ روزنامه اطلاعات دریافت، که از معاینه کارگران حمام‌های زنانه تهران توسط پزشک زایشگاه بلدیّه گزارش داده است. در جریان این کار، ۷۱۳ کارگر معاینه شدند که تعداد ۶۵۴ تن سالم بودند و به آن‌ها «جواز صحت مزاج» داده شد، ۵۹ نفر باقی‌مانده از بیماری‌هایی چون سیفلیس، سوزاک، بیماری‌های رحمی و مشکل چشم رنج می‌بردند، که یازده نفر بستری شدند. این کارگران بین رده سنی چهل تا هفتاد سال قرار بودند (همان، همانجا). بلدیّه (شهرداری) در سال ۱۳۱۰ برای پیشبرد بهتر امور بهداشتی شهر و ساکنان تهران، «شورای عالی صحتی بلدی» را مرکب از چند پزشک متخصص تأسیس کرد. این شورا نخستین جلسه خود را در نیمه دی ماه همان سال برگزار کرد و تصمیم‌گیری درباره تمام امور مربوط به نظافت و حفظ‌الصحه شهر تهران به این شورا واگذار شد (همان، ۱۶ دی ۱۳۱۰: ۲).

### ج) آغاز استفاده از دوش در حمام‌های عمومی

افزون بر تلاش‌ها و تصمیم‌های مقتضی برای اصلاح و تغییر کیفیت حمام‌های تهران، به نظر می‌رسد برجسته‌ترین گام در این راه، تلاش برای تجهیز حمام‌های عمومی به دوش و نیز اصلاح یا مسدود کردن خزینه‌ها بود. دوش حمام در آن روزگار پدیده‌ای تازه و البته کالایی فرنگی و سوغات غرب محسوب می‌شد (همان، ۲۴ آبان ۱۳۱۷: ۵؛ ناصرالدین شاه، ۱۳۷۹: ۱۳۶؛ گیلان‌پور، آذر و دی ۱۳۲۷: ۳۴) و آرام آرام (شاید از سال‌های پایانی دوره قاجار) به برخی از خانه‌های اعیانی ایرانیان راه پیدا کرده بود. در دوره رضاشاه، در آگهی‌های تبلیغاتی فروش و اجاره خانه، داشتن حمام مجهز به دوش امتیاز محسوب می‌شد. در واقع، این نوع حمام‌ها مد روز و یکی از نشانه‌های بارز نوسازی بودند. در سال ۱۳۰۷ در متن یکی از آگهی‌های تبلیغاتی ساختمان‌ها با عنوان «مد جدید عمارات» با اشاره به اینکه نقشه‌ها «به طرز جدید» کشیده می‌شوند، در

توضیح آن از کالریفر، شوفاژ، حمام و دوش به مثابه مدهای جدید نام برده شده بود (همان، ۳۰ فروردین ۱۳۰۷: ۴).

به جز حمام‌های خانگی طبقه اعیان، پدیده دوش آرام آرام به حمام‌های عمومی نیز راه پیدا کرد، که البته چالش‌ها و کشمکش‌های زیادی به همراه داشت. در سال ۱۳۰۸، روزنامه اطلاعات یادداشتی به قلم یکی از پزشکان تهران منتشر کرد، که می‌توان آن را به نوعی زمینه‌سازی برای دوش‌دار کردن حمام‌های عمومی تلقی کرد. نویسنده پس از اشاره به اهمیت بهداشت پوست بدن و البته اهمیت آب تمیز و صاف (چه از نظر علمی و چه از جنبه دینی) استدلال کرد که دسترسی به چنین آبی با خزینه‌ها امکان‌پذیر نیست. سرانجام نویسنده موضوع دوش‌دار کردن حمام‌ها را راه حل قطعی در این زمینه دانست و از آن دفاع کرد (پورمند، ۲ اردیبهشت ۱۳۰۸: ۲).

پیگیری اخبار روزنامه اطلاعات نشان می‌دهد، تلاش برای دوش‌دار کردن حمام‌های عمومی از حدود پنج سال نخست دوره پهلوی اول شروع شده است. اینکه در تبلیغات حمام‌های عمومی، از حمام «نمره» نام می‌بردند و مثلاً می‌نوشتند «دارای نمره خصوصی و عمومی» اشاره به همین مسئله داشت (روزنامه اطلاعات، ۳۰ مرداد ۱۳۰۹: ۴؛ همان، ۲۱ شهریور ۱۳۱۰: ۱). در آبان ماه ۱۳۱۱ روزنامه اطلاعات خبری منتشر کرد که نشان می‌داد موضوع تجهیز حمام‌های عمومی تهران به دوش بسیار جدی است. در متن این خبر کوتاه آمده بود که اقدامات جدی برای ایجاد دوش‌های عمومی در حمام‌های تهران به عمل آمده است و تمامی حمام‌های شهر دارای دوش عمومی خواهند شد. به علاوه ترتیبی اتخاذ شده است که از اشخاصی که می‌خواهند از دوش عمومی استفاده کنند، مبلغ بیشتری گرفته نشود تا تمام افراد بتوانند از دوش‌های مزبور استفاده کنند (همان، ۲۵ آبان ۱۳۱۱: ۲).

از دی ۱۳۱۱ گزارش مفصلی در دست داریم، که شرحی در مورد کم و کیف وضعیت حمام‌های عمومی تهران آن زمان است. بر اساس این گزارش، لوله دوش‌های عمومی معمولاً به خزینه وصل بود و آب آن از آب خزینه تأمین می‌شد؛ در نتیجه تمیزی و آلودگی آب این دوش‌ها تفاوتی با خزینه‌ها نمی‌کرد. دوش‌های خصوصی نیز که آن‌ها را تجملاتی تلقی می‌کردند چند مشکل داشتند؛ یکی اینکه منبع آب آن‌ها نیز



ممکن بود همان خزینه باشد (هر چند ممکن بود منبع اختصاصی نیز داشته باشند) و دیگر اینکه غالباً آب آن‌ها (به عللی مانند کمبود سوخت یا استفاده محدود از سوخت) سرد بود، یا بعد از روشن کردن تون (کوره حمام)، زمان می‌برد تا آب گرم شود. به علاوه، نرخ بعضی از حمام‌ها نیز برای مشتریان زیاد بود و نرخ ثابت برای حمام‌ها وجود نداشت. بر پایه این گزارش، مقررات اداره صحیه بلديه درباره حمام‌های عمومی چنان‌که باید اجرا نمی‌شد. نویسنده گزارش عملی کردن مسئله تبدیل آب خزینه‌ها را خیلی مشکل و پر هزینه دانسته بود (همان، ۳ دی ۱۳۱۱: ۳). افزون بر این، هزینه‌های نگهداری حمام، از جمله تأمین سوخت برای برخی حمامی‌ها گران بود و همچنین رعایت برخی مسائل بهداشتی را به صرفه نمی‌دانستند (همان، ۱۰ دی ۱۳۱۱: ۲).

با این همه، از سال ۱۳۱۵ مسئله تجهیز حمام‌ها با دوش وارد مرحله جدیدی شد. از سوی اداره بهداشتی شهرداری، حمام‌های عمومی از نظر وضعیت بهداشتی، به ویژه دوش‌دار کردن، مورد بازرسی قرار گرفتند. به صاحبان حمام‌ها اطلاع داده شد، چنانچه شیوه‌نامه‌های بهداشتی و تجهیز حمام‌ها با دوش بر اساس جدول زمانی مشخصی اجرا نشوند، شهرداری حمام‌های متخلف را تعطیل خواهد کرد (برای نمونه: روزنامه اطلاعات، ۳۰ بهمن ۱۳۱۵: ۴؛ همان، ۱۴ اسفند ۱۳۱۵: ۴؛ همان، ۶ فروردین ۱۳۱۶: ۳). به دنبال آن در مطبوعات سال ۱۳۱۶، آگهی‌های تبلیغاتی حمام‌هایی به چشم می‌خورد که مدتی برای تعمیر یا دوش‌دار شدن تعطیل شده بودند یا پس از تعمیرات دوباره خدمات ارائه می‌کردند (همان، ۲۵ خرداد ۱۳۱۶: نسخه عصر ۷). در همان روزگار، یکی از اقدامات شهرداری تهران در مردادماه ۱۳۱۷ تعیین نرخ ثابت هزینه استفاده از دوش حمام‌های عمومی بود. شهرداری در قالب یک آگهی با اعلام این نرخ‌ها، از مراجعان حمام‌ها خواست اگر حمامی‌ها درخواست دستمزد بیشتری داشتند به شهرداری شکایت کنند (همان، ۲۶ مرداد ۱۳۱۷: ۸).

حمام‌های عمومی در کنار اجرای شیوه‌نامه‌های پاکیزگی و نصب دوش‌ها، به تغییرات دیگری تن دادند که یکی از آن‌ها، تغییر در نوع سوخت مصرفی از سوخت‌هایی نظیر فضولات حیوانات، به سوختی نظیر زغال بود (هاشمی حائری، ۱۴ اسفند ۱۳۱۶: نسخه عصر ۲). شهرداری تهران برای استفاده حمام‌داران از زغال، به

اجبار روی آورد و در دی ماه ۱۳۱۸ به صاحبان حمام‌ها اخطار داد تا اول فروردین ۱۳۱۹ سوخت حمام‌ها را به زغال سنگ تبدیل کنند (روزنامه اطلاعات، ۹ دی ۱۳۱۸: ۱).

#### د) زمینه‌سازی برای مقابله با خزینه‌ها

تبدیل حمام‌های خزینه‌ای به حمام‌های دوش‌دار افزون بر هزینه‌های اقتصادی، با چالش‌های فرهنگی بزرگی نیز همراه بود. از نگاه بسیاری از مردم آن دوره، خزینه‌ها افزون بر کارکرد نظافت بدن، نقش و کارکرد برجسته دینی داشتند؛ لذا تغییر آن‌ها، به نوعی خط قرمز محسوب می‌شد. در نتیجه، هر تغییر آمرانه‌ای در آن‌ها ممکن بود پیامدها و واکنش‌هایی منفی به دنبال داشته باشد. با این وصف آیا دوش جای خزینه را برای آن‌ها می‌گرفت؟ شواهد تاریخی نشان می‌دهد حداقل در آن دوره پاسخ منفی بوده است.

در گزارشی که روزنامه اطلاعات درباره حمام‌های عمومی در سال ۱۳۱۱ منتشر کرده است، از زبان یکی از متشرعان می‌نویسند: «اشخاصی هم که مثل من نسبت به مذهب جعفری خیلی متعصب هستند، حاضر نمی‌شوند زیر دوش رفته، غسل ارتماسی کنند، حتماً باید به خزینه حمام رفته و سر را زیر آب [کنند] و بعد هم وسواس داشته و چند مرتبه روی پله‌کان خزینه ایستاده خود را در آب فرو ببرد تا غسل او صحیح باشد!!» (همان، ۳ دی ۱۳۱۱: ۳).

هر چند وضعیت بهداشت بسیاری از خزینه‌ها به عللی چون تأخیر در تعویض آب مناسب نبود، اما این موضع، در قیاس با کارکرد دینی خزینه‌ها، برای عموم مردم چندان مهم جلوه نمی‌کرد. برای صاحبان حمام‌ها نیز تعویض زود به زود آب خزینه‌ها چندان به صرفه و حتی شاید عملی نبود. بنابراین، چالش میان بهداشت و کارکرد دینی خزینه‌ها بالا گرفت (همان، ۱۵ آذر ۱۳۰۷: ۱). برخی از اهل علم با نشان دادن اهمیت بهداشت آب در اسلام، به دنبال زمینه‌سازی هر چه بیشتر برای روند تغییر حمام‌ها بودند. چنانکه دکتر امیر اعلم در بخشی از خطابه خود درباره حفظ الصحة و اسلام، در دانشکده علوم معقول و منقول با اشاره به وضعیت حمام‌های آن دوره، بر ضرورت

پاکی آب در اسلام تأکید کرد و گفت پاکی آب وضو، استحمام و غسل در اسلام شرط اصلی است؛ لذا رنگ و طعم و بوی آبی که با آن وضو می‌گیرند، نباید تغییر کرده باشد و آب حمام باید آن‌قدر تمیز باشد که بشود آن را نوشید. امیر اعلم با ذکر این مقدمات نتیجه گرفت که در گذشته وضعیت بهداشت حوض‌ها و خزینه‌های حمام برای وضو و غسل بر خلاف توصیه‌های اسلام بوده است. او سپس متذکر می‌شود که اگر فلسفه غسل ترتیبی و مقدم بودنش بر غسل ارتماسی به مردم شرح داده می‌شد، خیلی زودتر تمیزی حمام‌ها اتفاق می‌افتاد (همان، ۶ دی ۱۳۱۵: ۸؛ همان، ۷ دی ۱۳۱۵: ۸). صحبت‌های امیر اعلم نشان می‌دهد در آن زمان موضوع غسل ترتیبی و ارتماسی، موضوعی مطرح بود و احتمالاً طرح آن در اثر ماجرای دوش‌دار شدن حمام‌ها بوده است. البته روشن نیست او بر چه مبنایی از مقدم بودن غسل ترتیبی سخن رانده است، اما شاید بتوان طرح این مسئله را با هدف ارائه مجوزی دینی برای دوش‌دار کردن حمام‌ها یا حتی جمع کردن خزینه‌ها تفسیر کرد. امیر اعلم در ادامه به بیماری‌هایی اشاره کرده است که ممکن بود آب‌های راکد حمام‌ها منشأ ایجاد آن‌ها باشند و همین‌طور به موارد متعدد دیگری درباره نظافت شخصی و نظر اسلام درباره آن پرداخته است و در جایی نیز از ضرورت رعایت نکات بهداشتی در زمان وضو گرفتن و همچنین از ضرورت نصب شیرهای متعدد در اطراف حوض‌هایی که مردم در آنجا وضو می‌گیرند، یاد کرده است (همان، همانجا).

با وجود چنین زمینه‌سازی‌هایی، حمام‌ها به تدریج دوش‌دار می‌شدند و حداقل در ظاهر خطر چندانی خزینه‌ها را تهدید نمی‌کرد و کاربرد آن‌ها در کنار دوش‌ها همچنان ادامه داشت؛ حتی در حمام‌های جدیدی که افتتاح می‌شدند نیز خزینه‌ها جایگاه خود را داشتند و این را از آگهی‌های تبلیغاتی حمام‌های عمومی آن دوره، به ویژه در سال‌های ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ می‌توان فهمید (همان، ۵ خرداد ۱۳۱۵: ۶؛ همان، ۴ تیر ۱۳۱۶: نسخه عصر ۷). این به آن معناست که اعتقاد بسیاری از مردم نسبت به پاک‌کنندگی خزینه‌ها هنوز هم محکم و پابرجا مانده بود (هاشمی حائری، ۱۴ اسفند ۱۳۱۶: نسخه عصر ۲).

### ه) اقدامات آمرانه در تقابل با خزینه‌ها

به رغم هم‌زیستی حمام‌های خزینه‌ای در کنار حمام‌های جدید، در سال‌های پایانی دوره رضا شاه، حکومت سیاستی تحکم‌آمیز در برابر حمام‌های خزینه‌ای در پیش گرفت. چنان‌که شهرداری تهران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۷ در قالب یک آگهی به حمام‌داران اعم از مالکان و متصدیان و مستأجران گرمابه‌های عمومی اخطار داد که برای رعایت بهداشت عمومی و جلوگیری از بیماری‌های مسری (به‌خصوص برای حفظ سلامت اطفال) تمامی خزینه‌ها باید به شیر و دوش‌های عمومی تبدیل شوند. بر پایه این اخطار بنا بود درب خزینه‌ها مسدود شود و از آن‌ها به عنوان منبع آب گرم شیرها و دوش‌ها استفاده شود (روزنامه اطلاعات، ۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۷: ۱). به دنبال این اخطار، بخش‌های مختلف شهرداری تهران با حساسیت ویژه‌ای سراغ حمام‌های عمومی رفتند. روزنامه اطلاعات از قرار شهرداری با صاحبان حمام‌ها برای تعطیل کردن دو هفته‌ای حمام‌ها برای مسدود کردن خزینه‌ها و نصب دوش خبر داده است. در این خبر، روند کار مثبت ارزیابی شده، اما هیچ اشاره‌ای به واکنش حمام‌داران و مردم به چنین اخطار و اجباری نشده است (همان، ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۷: ۴).

به رغم عزم حکومت برای اصلاح و نوسازی آمرانه حمام‌های شهر تهران، با شروع جنگ جهانی دوم، اشغال ایران و برکناری رضاشاه از یکسو، و واکنش‌های منفی عموم جامعه در برابر نابودی خزینه‌ها از دیگر سو، این خواسته نیز مانند بسیاری دیگر از برنامه‌های مدرن‌سازی رضا شاه عقیم ماند. افزون بر این، صاحبان و گردانندگان حمام‌ها نیز به دلیل هزینه‌های تحمیلی تغییرات، با استفاده از این فرصت، از آن سرپیچیدند (ساکما، سند شماره ۱۴۷۴۹/۳۱۰). تداوم کشاکش بر سر خزینه و دوش در دهه‌های بعدی، تأییدی بر ناموفق بودن این طرح در آن برهه زمانی است. حکومت، نه توانسته بود ضرورت تغییر را برای مردم توجیه کند و نه در استفاده از زور و اجبار راه به جایی برده بود، اما در جواب به اینکه چرا پهلوی اول در ایجاد تغییرات حمام‌ها، به ویژه، مسدود کردن خزینه‌ها ناکام بود؟ در کنار ضدیت بخش‌هایی از جامعه (به ویژه متدینان) با حکومت و تجدد آمرانه‌ای که حکومت در پیش گرفته بود، می‌توان دو علت دیگر نیز برشمرد:

- یکی فرهنگ و باورهای ریشه‌دار عموم مردم که ظاهراً حکومت از درک آن عاجز بود و این همان فرهنگی بود که در برابر حداقل برخی نوسازی‌ها مقاومت می‌کرد.  
- دوم، شکل تجددگرایی حکومت در زمینه بهداشت بود که همچون سایر حوزه‌های نوسازی بیش از اینکه بر مبانی تئوریک محکمی مبتنی باشد، ظاهری و تقلیدگرایانه بود. فهم بهتر این علل نیاز به شرحی بیشتر دارد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

### ۱. حکم شرعی یا قاعده بهداشتی؟

در بررسی تاریخ فرهنگی استحمام در دوره معاصر باید به تفاوت دو نگاه توجه کرد:

- نخست، نگاه سنت‌گرایانه عموم جامعه، که تا پیش از مطرح شدن مسائل بهداشتی جدید، استحمام را در پیوند با طهارت و موضوعی (صرفاً یا بیشتر) شرعی می‌دید تا چیزی دیگر.
- دوم، نگاهی نوگرا که استحمام را امری بهداشتی و در پیوند با تمیزی «بدن» می‌دید.

بی‌گمان، مردم حکم شرعی را از آنجا که ریشه در فرهنگ داشت و از نظر تاریخی با آن خو گرفته بودند، به سادگی درک می‌کردند، اما قاعده بهداشتی را به مثابه امری نو، که تازه مطرح شده بود، به راحتی هضم نمی‌کردند یا با دیده تردید به آن می‌نگریستند. ویلم فلور نیز بر همین تفاوت بین حکم شرعی و قاعده بهداشتی تأکید دارد و معتقد است: «مسئله اصلی احکام مذهبی، ایجاد طهارت با اجرای شعائر است و نه بهداشت است. منظر طب» (فلور، ۱۳۸۶: ۸۲)؛ در نتیجه، حکم شرعی در جایگاه برتری قرار می‌گیرد. فلور از همین‌رو به نقد ایده سیاحان اروپایی دوره قاجار می‌پردازد، که از درک اینکه قانون شرع به خلوص شیمیایی یا بیولوژیک یا تمیزی آب اشاره ندارد و به جنبه آیینی و طهارت مذهبی نظر دارد، ناتوان بوده‌اند (همان، ۷۵).

یکی از مخاطبان مطبوعات دوره رضاشاه می‌نویسد: «به تازگی هموطنان ما می‌روند که به حقیقت نظافت پی برده و کم‌کم فهمیده‌اند تنها آب (کُسر) پاک‌کننده نیست...» (روزنامه اطلاعات، ۲۹ اسفند ۱۳۱۰: ۱) نمونه‌ای از در نظر نگرفتن تفاوت همین دو نگاه است. البته در همان زمان برخی به این تفاوت واقف بودند. برای نمونه در دی‌ماه ۱۳۱۱ از قول یکی از حمامی‌های تهران نوشته‌اند، آن اندازه‌ای که مردم به پاکیزگی

حمام اهمیت می‌دادند، به وضو و طهارت اهمیت نمی‌دادند (همان، ۱۰ دی ۱۳۱۱: ۲)؛ جمله‌ای که گوینده خواسته تغییری را نشان دهد که در نگاه و زندگی مردم تهران در حال رخ دادن بود، هر چند (با توجه به دیگر شواهد) اندکی اغراق آمیز به نظر می‌رسد، اما تفاوت دو نگاه را به خوبی نشان می‌دهد.

تردیدی نیست که رفتار اغلب مردم درباره پاکیزگی / طهارت، برآمده از فرهنگ دینی یا شبه دینی و نیز تجربه زیسته‌شان بود. این همان چیزی است که سیاست‌گذاران زمان رضا شاه در زمینه اصلاح حمام‌ها، نادیده می‌گرفتند. در واقع، حکومت بی‌توجه به این باورها تلاش کرد با دستورهای آمرانه و از طریق نفوذ در فرهنگ استحمام مردم، اهداف نوسازانه خود را محقق کند. دستاورد چنین تلاشی برای حکومت، شکلی ناقص از اصلاحات بود که اکنون در نوسازی حمام‌ها تجلی یافته بود. کشمکش‌هایی که این نوع از تغییرات در جامعه رقم زد، تا سال‌های پایانی دوره پهلوی ادامه یافت.

## ۲. تغییر در حمام‌ها؛ از سر نیاز یا تقلید؟

اقدامات حکومت برای تغییر اجباری و انجام اصلاحات در حمام‌های عمومی همانند سایر نوسازی‌های دوره رضا شاه بیشتر تقلیدی ظاهری از غرب بود تا اقدامی بنیادین. در آن مقطع بسیاری از حمام‌های تهران به دوش مجهز شدند و این شاید مهم‌ترین تغییر ظاهری حمام‌های دوره رضا شاه بود (هر چند احتمالاً عموم مردم برای استفاده از دوش ضرورتی نمی‌دیدند)، اما این پرسش مطرح است که وقتی آب شرب همچنان محل اشکال است، چرا نصب دوش اولویت پیدا می‌کند؟ پیگیری اخبار مطبوعات آن دوره نشان می‌دهد، موضوع آب شرب و مسئله لوله‌کشی، موضوع حیاتی و نیاز اساسی آن زمان و در واقع، پیش نیاز بسیاری از اقدامات بهداشتی دیگر بود. از قول سیدحسن مدرس نوشته‌اند که او یکی دو سال پیش از پادشاهی رضا شاه با نقد شیوه تجددگرایی ایرانیان اشاره‌ای نیز به موضوع لوله‌کشی آب دارد: «آقای مدرس می‌گویند قریباً چوپان‌های قریه‌های قراغینی و کنگاور با فکل سفید و کراوات خودنمایی می‌کنند، اما در زیباترین شهرهای ایران هرگز آب لوله و آب تمیز برای نوشیدن مردم پیدا نخواهد شد...» (رحیم‌زاده صفوی، ۱۳۶۸: ۸۵).

مردم ایران در طول تاریخ، شاهد شیوع بیماری‌های مختلفی بودند که هر کدام در

مقاطعی گسترش یافتند و جان بسیاری را ستانده است. در دوره قاجار و پهلوی نیز بیماری‌های مختلفی گریبان‌گیر ایرانیان بود؛ بیماری‌هایی که بخشی از آن‌ها واگیردار بود و فضاهای عمومی مثل حمام‌ها زمینه همه‌گیری بیشتر آن‌ها را فراهم می‌کرد. در این زمینه، در زمان رضا شاه پزشکان گاهی از حکومت اقدامات پیشگیرانه و درمانی مطالبه می‌کردند و یکی از خواسته‌هایشان برای جلوگیری از شیوع این بیماری‌ها لوله‌کشی و پوشاندن مجاری آب شرب بود. برای نمونه، در سال ۱۳۰۶ جمعی از پزشکان در نامه‌ای خطاب به رئیس‌الوزرا، تنها راه مؤثر برای رفع بیماری‌هایی مثل تیفوئید (حصبه)، را لوله‌کشی آب شمردند (روستایی، ۱۳۸۲: ۳۸۴/۱ و ۳۸۵). در همان سال وعده داده شد، که در آینده‌ای نزدیک تهران صاحب آب لوله‌کشی خواهد شد (روزنامه اطلاعات، ۴ بهمن ۱۳۰۶: ۲)؛ آینده‌ای که البته نزدیک نبود.

در آن سال‌ها، کسانی که دغدغه به اصطلاح حفظ‌الصحه داشتند، در صحبت‌ها یا نوشته‌ها بارها این پرسش را مطرح می‌کردند که چرا به جای برخی کارهای غیر ضروری و خرج‌های تجملاتی، به مسائلی چون لوله‌کشی آب تهران که یک ضرورت است، پرداخته نمی‌شود. نویسنده‌ای در سال‌های نخست پادشاهی رضاشاه در یکی از همین یادداشت‌ها به انتقاد از شیوه مواجهه بسیاری از ایرانیان با پدیده‌هایی مانند اتومبیل، گرامافون و دوچرخه و زیاد شدن مغازه‌هایی از نوع عطرفروشی و مشروب‌فروشی پرداخته و در یادداشتی دیگر به کارهای مهم‌تری که باید انجام شود، اما نمی‌شود مثل لوله‌کشی آب اشاره کرده است (شیروانی، ۱۵ بهمن ۱۳۰۷: ۱؛ همان، ۱۹ فروردین ۱۳۰۸: ۱). در مطلبی دیگر با عنوان «لوله‌کشی آب» در یکی از شماره‌های روزنامه اطلاعات در مردادماه ۱۳۰۹، به اهمیت و ضرورت لوله‌کشی آب و فواید آن برای صرفه‌جویی وقت، راحتی و بهداشت پرداخته شده است. نویسنده این یادداشت همچنین مشاهدات خود در پاریس را در این زمینه همچون یک الگو برای تهران و شهرهای دیگر ایران شرح داده است (روزنامه اطلاعات، ۹ مرداد ۱۳۰۹: ۱؛ همان، ۱۱ مرداد ۱۳۰۹: ۱). نویسنده‌ای دیگر در سال ۱۳۱۰، با توجه به اهمیت آب جاری و لوله‌کشی آب در پیشگیری از بیماری‌ها، اهمیت آن را بهتر از ساختن هزار بیمارستان دانسته است و یکی از نتایج لوله‌کشی را امکان ساخت حمام‌های فرنگی در تمام شهر

ذکر کرده است (کیانی، ۲۷ مرداد ۱۳۱۰: ۳).

در کنار مباحث گوناگونی که برای نوسازی حمام‌ها و ضرورت لوله‌کشی آب تهران مطرح می‌شد، طرح‌های مختلفی برای افزایش بهداشت آب در تهران ارائه شد. یکی از این طرح‌ها را دکتر کولونیه پزشک فرانسوی مقیم ایران در قالب طرحی سه ساله برای بهبود وضع بهداشتی و سلامتی در ایران ارائه کرد، که در این طرح پیش از همه به موضوع لوله‌کشی تهران اشاره شده است (روستایی، ۱۳۸۲: ۴۹۸/۱). در سال‌های بعد نیز خبرهای متعددی درباره طرح‌های لوله‌کشی آب تهران در مطبوعات منتشر شد (روزنامه اطلاعات، ۱۱ خرداد ۱۳۱۲: ۲؛ همان، ۱۰ آذر ۱۳۱۳: ۱؛ همان، ۴ دی ۱۳۱۷: ۲). ماهیت این طرح‌ها و خبرها نشان دهنده وجود موانع بزرگی بر سر راه تحقق ایده لوله‌کشی تهران است، که یکی از بارزترین آن‌ها هزینه‌های سنگین آن بود (همان، ۷ آبان ۱۳۱۵: ۲). در مجموع، به‌رغم تمام ایده‌هایی که درباره اهمیت موضوع لوله‌کشی آب تهران مطرح شد، این شهر تا پایان دوره پهلوی اول فاقد لوله‌کشی سراسری آب ماند.

### نتیجه‌گیری

برنامه‌های نوسازی دوره رضا شاه ایجاب می‌کرد که اصلاحات در عرصه‌های مختلف آغاز شود. افزون بر این، در سطح جهانی نیز پیشرفت‌های بزرگی در حوزه پزشکی و بهداشت صورت گرفته بود، که برخی از تجلیات آن از رهگذر ترجمه به مطبوعات ایران راه یافت. به تدریج، این بحث‌ها به یک گفت‌وگو مسلط، به‌ویژه در زمینه اصلاح حمام‌های عمومی و لوله‌کشی آب تبدیل شد. شکل‌گیری چنین مسئله‌ای حکومت پهلوی را به انجام اقدامات بهداشتی مختلفی واداشت، که بخشی از این اقدامات بهداشتی، به حمام‌های عمومی، که مهم‌ترین فضای عمومی و بهداشت‌محور آن زمان بود، اختصاص یافت. از جمله اقدامات بهداشتی مهم حکومت در زمینه حمام‌های تهران، تلاش برای دوش‌دار کردن آن‌ها و مسدود کردن خزینه‌ها بود؛ طرح‌هایی پر خرج و پُر سروصدا، که به علت فراهم نبودن اصول اولیه این کار نظیر لوله‌کشی سراسری شهر و نیز در نظر نگرفتن باورهای حاکم بر مردم، به‌ویژه، باورهای شرعی یا



| مسئله بهداشت حمام‌های تهران در دوره رضاشاه ... | ۱۵۷

شبه شرعی مرتبط با خزینه، در آن برهه و در عمل موجب بروز چالش‌های فراوانی شد که خود نمودار کشاکش‌های گسترده‌تر میان نوگرایان و سنت‌گرایان ایرانی در سطح کشور بود. همین طرح‌ها به مرور زمینه تعارض‌های بیشتری را در دهه‌های بعد فراهم کرد و بررسی آن‌ها موضوع مستقل دیگری است.



### منابع

- روزنامه اطلاعات (۱۵ مرداد ۱۳۰۶)، شماره ۲۷۷.
- روزنامه اطلاعات (۲۸ مرداد ۱۳۰۶)، شماره ۲۸۶.
- روزنامه اطلاعات (۲۱ شهریور ۱۳۰۶)، شماره ۳۰۶.
- روزنامه اطلاعات (۴ بهمن ۱۳۰۶)، شماره ۴۱۴.
- روزنامه اطلاعات (۳۰ فروردین ۱۳۰۷)، شماره ۴۷۰.
- روزنامه اطلاعات (۱۲ آبان ۱۳۰۷)، شماره ۶۲۰.
- روزنامه اطلاعات (۱۵ آذر ۱۳۰۷)، شماره ۶۴۸.
- روزنامه اطلاعات (۳ دی ۱۳۰۷)، شماره ۶۶۳.
- روزنامه اطلاعات (۲۴ فروردین ۱۳۰۹)، شماره ۱۰۱۵.
- روزنامه اطلاعات (۹ مرداد ۱۳۰۹)، شماره ۱۰۹۹.
- روزنامه اطلاعات (۱۱ مرداد ۱۳۰۹)، شماره ۱۱۰۰.
- روزنامه اطلاعات (۳۰ مرداد ۱۳۰۹)، شماره ۱۱۱۵.
- روزنامه اطلاعات (۱۹ آبان ۱۳۰۹)، شماره ۱۱۸۳.
- روزنامه اطلاعات (۲۲ آذر ۱۳۰۹)، شماره ۱۲۱۱.
- روزنامه اطلاعات (۲۱ شهریور ۱۳۱۰)، شماره ۱۴۱۳.
- روزنامه اطلاعات (۱۶ دی ۱۳۱۰)، شماره ۱۵۱۲.
- روزنامه اطلاعات (۲۹ اسفند ۱۳۱۰)، شماره ۱۵۶۷.
- روزنامه اطلاعات (۲۵ آبان ۱۳۱۱)، شماره ۱۷۵۸.
- روزنامه اطلاعات (۳ دی ۱۳۱۱)، شماره ۱۷۸۹.
- روزنامه اطلاعات (۱۰ دی ۱۳۱۱)، شماره ۱۷۹۵.
- روزنامه اطلاعات (۱۱ خرداد ۱۳۱۲)، شماره ۱۹۱۱.
- روزنامه اطلاعات (۱۰ آذر ۱۳۱۳)، شماره ۲۳۵۳.
- روزنامه اطلاعات (۵ خرداد ۱۳۱۵)، شماره ۲۷۹۵.
- روزنامه اطلاعات (۷ مهر ۱۳۱۵)، شماره ۲۹۲۰.
- روزنامه اطلاعات (۷ آبان ۱۳۱۵)، شماره ۲۹۴۹.
- روزنامه اطلاعات (۲۹ آذر ۱۳۱۵)، شماره ۲۹۹۶.
- روزنامه اطلاعات (۶ دی ۱۳۱۵)، شماره ۳۰۰۳.
- روزنامه اطلاعات (۷ دی ۱۳۱۵)، شماره ۳۰۰۴.



- روزنامه اطلاعات (۳۰ بهمن ۱۳۱۵)، شماره ۳۰۵۸.
- روزنامه اطلاعات (۱۴ اسفند ۱۳۱۵)، شماره ۳۰۶۹.
- روزنامه اطلاعات (۶ فروردین ۱۳۱۶)، شماره ۳۰۸۶.
- روزنامه اطلاعات (۲۵ خرداد ۱۳۱۶)، نسخه عصر، شماره ۳۱۶۳.
- روزنامه اطلاعات (۴ تیر ۱۳۱۶)، نسخه عصر، شماره ۳۱۷۳.
- روزنامه اطلاعات (۲۴ اردیبهشت ۱۳۱۷)، شماره ۳۴۷۸.
- روزنامه اطلاعات (۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۷)، شماره ۳۴۸۳.
- روزنامه اطلاعات (۲۶ مرداد ۱۳۱۷)، شماره ۳۵۷۲.
- روزنامه اطلاعات (۲۴ آبان ۱۳۱۷)، شماره ۳۶۶۲.
- روزنامه اطلاعات (۴ دی ۱۳۱۷)، شماره ۳۷۰۱.
- روزنامه اطلاعات (۹ دی ۱۳۱۸)، شماره ۴۰۶۱.
- امیراعلم، امیرخان (۱۳۳۷)، *حفظ‌الصحه در اسلام؛ رساله پزشکی*، تهران: بی‌نا.
- بدیع، عبدالمجید (۱۳۱۴)، «میکروب؛ دشمنان غیر مرئی»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۱ دی، شماره ۲۶۷۶.
- بدیع، عبدالمجید (۱۳۱۴)، «میکروب؛ دشمنان غیر مرئی»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۳ دی، شماره ۲۶۷۷.
- بدیع، عبدالمجید (۱۳۱۴)، «میکروب؛ دشمنان غیر مرئی»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۴ دی، شماره ۲۶۷۸.
- بردیا، فریبا و دیگران (بهار ۱۳۹۹)، «مردم‌نگاری فرآیند تغییرات حمام در تهران»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، شماره پیاپی ۲۸.
- بلدیه، (آبان ۱۳۰۹)، شماره سوم.
- پورمند، (۱۳۰۸)، «استحمام»، *روزنامه اطلاعات*، ۲ اردیبهشت، شماره ۷۴۷.
- پویا، یحیی، (۱۳۱۰) «کسانی که خود را از آسیب سیفلیس مصون می‌دانند»، *روزنامه اطلاعات*، ۲ دی، شماره ۱۵۰۰.
- ترابی فارسانی، سهیلا، ابراهیمی، مرتضی (زمستان ۱۳۹۳)، «بلدیه و بهداشت عمومی در دوره پهلوی اول»، *فصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ اسلام و ایران*، دانشگاه الزهراء، شماره پیاپی ۱۱۴.
- حجازی، حسین (۱۳۱۸)، «از بهداشت»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۷ مرداد، شماره ۳۹۱۸.

- خارابی، فاروق (۱۳۸۶)، *انجمن‌های عصر مشروطه*، تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رحیم‌زاده صفوی، علی‌اصغر (۱۳۶۸)، *اسرار سقوط احمدشاه*، به کوشش بهمن دهگان، چ ۲، تهران: فردوس.
- رجایی، عبدالمهدی (بهار و تابستان ۱۳۹۳)، «بهداشت حمام‌های عمومی در دوره معاصر و نقش شهرداری‌ها؛ مطالعه موردی: شهر اصفهان»، *پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره اول.
- روستایی، محسن (۱۳۸۲)، *تاریخ طب و طبابت در ایران (از عهد قاجار تا پایان عصر رضاشاه) به روایت اسناد*، ج ۱، تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، سازمان اسناد و پژوهش و نگارش.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، سند شماره ۶۳۴۱۸ / ۲۹۸.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی (ساکما)، سند شماره ۱۴۷۴۹ / ۳۱۰.
- سینا، عبدالله (۱۳۱۷)، *بھی نامه*، به انضمام دیباچه دکتر سعید مالک، تهران: شرکت چاپ کتاب.
- شیروانی، ا. (۱۳۰۷)، «اتومبیل - گرامافون - بیسیکلت - ۲»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۵ بهمن، شماره ۶۹۵.
- شیروانی، ا. (۱۳۰۸)، «اتومبیل - گرامافون - بیسیکلت - بنزین هم!»، *روزنامه اطلاعات*، ۱۹ فروردین، شماره ۷۳۶.
- فلور، ویلم (۱۳۸۶)، *سلامت مردم در ایران قاجار*، ترجمه ایرج نبی‌پور، بوشهر: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر/ تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تهران، مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی.
- کیانی، ح. (۱۳۱۰)، «آب لوله برای طهران از واجبات است»، *روزنامه اطلاعات*، ۲۷ مرداد، شماره ۱۳۹۲.
- گل‌سرخ، مرتضی (بی‌تا)، *حفظ‌الصحه زنان و دختران*، بی‌جا: بی‌نا.
- گیلان‌پور، محمدکاظم (آذر و دی ۱۳۲۷)، «داستان ژنرال بارتلمی سمینو» در *یادگار*، سال پنجم، شماره چهارم و پنجم.
- ملائی‌توانی، علیرضا، غلامپور، میثم (پاییز ۱۳۹۳)، «حمام و استحمام در فرهنگ ایرانیان عصر قاجاریه از آغاز تا مشروطه»، *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، شماره ۲۱، صص ۱۲۱ تا ۱۴۲.
- میردامادی، حسن (۱۳۱۵)، *میکروب‌شناسی میر*، تهران: روشنایی.

| مسئله بهداشت حمام‌های تهران در دوره رضاشاه ... | ۱۶۱

ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۷۹)، *روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان*، به کوشش فاطمه قاضیها، تهران: سازمان اسناد ملی ایران؛ پژوهشکده اسناد.

هاشمی حائری، ع. (۱۳۱۶)، «گرمابه‌ها»، *روزنامه اطلاعات*، نسخه عصر، ۱۴ اسفند، شماره ۳۴۱۶.

یغم، (خرداد ۱۳۳۹)، «رپورت‌ها»، سال سیزدهم، شماره سوم، بازنشر در *مجله یغما* (۱۳۶۳)، تهران: انتشارات ایران.



### Transliteration

- Eṭelā'āt newspaper (August 15, 1306), number 277.  
 Eṭelā'āt newspaper (August 28, 1306), number 286.  
 Eṭelā'āt newspaper (21 September 1306), number 306.  
 Eṭelā'āt newspaper (4 February 1306), number 414.  
 Eṭelā'āt newspaper (April 30, 1307), number 470.  
 Eṭelā'āt newspaper (November 12, 1307), number 620.  
 Eṭelā'āt newspaper (December 15, 1307), number 648.  
 Eṭelā'āt newspaper (3 January 1307), number 663.  
 Eṭelā'āt newspaper (April 24, 1309), number 1015.  
 Eṭelā'āt newspaper (August 9, 1309), number 1099.  
 Eṭelā'āt newspaper (August 11, 1309), number 1100.  
 Eṭelā'āt newspaper (August 30, 1309), number 1115.  
 Eṭelā'āt newspaper (November 19, 1309), number 1183.  
 Eṭelā'āt newspaper (December 22, 1309), number 1211.  
 Eṭelā'āt newspaper (August 2, 1310), number 1371.  
 Eṭelā'āt newspaper (21 September 1310), number 1413.  
 Eṭelā'āt newspaper (January 16, 1310), number 1512.  
 Eṭelā'āt newspaper (March 29, 1310), number 1567.  
 Eṭelā'āt newspaper (November 25, 1311), number 1758.  
 Eṭelā'āt newspaper (3 January 1311), number 1789.  
 Eṭelā'āt newspaper (January 10, 1311), number 1795.  
 Eṭelā'āt newspaper (June 11, 1312), number 1911.  
 Eṭelā'āt newspaper (December 10, 1313), number 2353.  
 Eṭelā'āt newspaper (5 June 1315), number 2795.  
 Eṭelā'āt newspaper (7 Mehr 1315), number 2920.  
 Eṭelā'āt newspaper (November 7, 1315), number 2949.  
 Eṭelā'āt newspaper (December 29, 1315), number 2996.  
 Eṭelā'āt newspaper (January 6, 1315), No. 3003.  
 Eṭelā'āt newspaper (January 7, 1315), No. 3004.  
 Eṭelā'āt newspaper (30 February 1315), number 3058.  
 Eṭelā'āt newspaper (14 March 1315), number 3069.  
 Eṭelā'āt newspaper (6 April 1316), number 3086.  
 Eṭelā'āt newspaper (June 25, 1316), evening edition, number 3163.  
 Eṭelā'āt newspaper (July 4, 1316), evening edition, number 3173.  
 Eṭelā'āt newspaper (December 5, 1316), evening edition, number 3322.  
 Eṭelā'āt newspaper (May 24, 1317), number 3478.  
 Eṭelā'āt newspaper (May 29, 1317), number 3483.  
 Eṭelā'āt newspaper (August 26, 1317), number 3572.  
 Eṭelā'āt newspaper (November 24, 1317), number 3662.  
 Eṭelā'āt newspaper (January 4, 1317), No. 3701.  
 Eṭelā'āt newspaper (9 January 1318), number 4061.  
 Eṭelā'āt newspaper (23 September 1319), number 4305.  
 Amīr 'Alam, Amīr k̄ān (1337), *Ḥifẓ ul-ṣīḥa fī al-Islam*; Rasala Medical, Tehran: n.d.  
 Badi', Abdul Majid (11 January 1314), "Microbe; Invisible enemies", Eṭelā'āt newspaper, No. 2676.  
 Badi', Abdul Majid (13 January 1314), "Microbe; Invisible Enemies", Eṭelā'āt Newspaper, No. 2677.  
 Badi', Abdul Majid (14 January 1314), "Microbe; Invisible enemies", Eṭelā'āt newspaper, No. 2678.

- Bardiafar, Nima and others (Spring 2019), " The Ethnography of the Process of Bathroom Changes in Tehran", Iranian social issues strategic research quarterly, serial number 28.
- Baladīyeh (November 1309), number three.
- Pourmand (May 2, 1308), "Bathing", Eṭelā'āt newspaper, number 747.
- Puya, Yahya (2nd January 1310), "Those who consider themselves immune from syphilis", Eṭelā'āt newspaper, No. 1500.
- Torabi Farsani, Soheila and Morteza Ebrahimi (Winter 2013), " Baladieh and Public Health During the Pahlavi I", Scientific-Research Quarterly of Islamic and Iranian History, AlZahra University, serial number 114.
- Jamalzadeh, Seyyed Mohammad Ali (1384), Kashkul Jamali, edited by Ali Dehbashi, Tehran: Sokan.
- Hejazi, Hossein (August 17, 1318), "From Health", Eṭelā'āt newspaper, No. 3918.
- Kharabi, Forouq (2006), Associations of the Constitutional Era, Tehran: Humanities Research and Development Foundation.
- Rahimzadeh Safavi, Ali Asghar (1386), Secrets of the fall of Ahmad Shah, by Bahman Dehgan, second edition, Tehran: Ferdous.
- Rajaei, Abdul Mahdi (Spring and Summer 2013), " Hygiene at Public Baths during Modern Era and the Role of Municipalities (Case Study: Isfahan, Iran)", Social and Economic History Research Journal, Humanities and Cultural Studies Institute, 3rd year, 1st issue.
- Rustaei, Mohsen (1382), History of medicine in Iran (from the Qajar era to the end of Reza Shah's era) according to documents, Volume 1, Tehran: National Library of the Islamic Republic of Iran, Documents and Research and Writing Organization.
- National Library and Documents Organization, Document No. 298/63418.
- National Library and Documents Organization, Document No. 310/14749.
- Sina, Abdullah (1317), Behīnāmeḥ, along with the foreword of Dr. Saeed Malik, Tehran: Book Publishing Company.
- Shirvani, A. (15 February 1307), "Car-Gramophone-Bicycle-2", Eṭelā'āt newspaper, No. 695.
- Shirvani, A. (April 19, 1308), "Car-Gramophone-Bicycle-Gasoline too!", Eṭelā'āt newspaper, No. 736.
- Floor, Willem M (2006), Public health in Qajar Iran, translated by Iraj Nabipour, Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences and Health Services / Tehran: Tehran University of Medical Sciences and Health Services, Ethics and History of Medicine Research Center.
- Kiyani, H (August 27, 2010), "Pipe water is a must for Tehran", Eṭelā'āt newspaper, No. 2012.
- Golsorkhi, Morteza (n.d), Ḥifẓ ul-ṣīḥa Zanān va Doḵtarān, no place.
- Gilanpur, Mohammad Kazem (Azar and 1327), "The Story of General Bartholomew Semino" in Yadgar, Year 5, Number 4 and 5.
- Mirdamadi, Hassan (1315), Mir's Microbiology, Tehran: Rūšanā'ī.
- Nāṣer al-Dīn ṣāḥ (1379), the diary of Naser al-Din Shah's second trip to Ferangistan, by Fateme Ghaziha, Tehran: National Records Organization of Iran; Document Research Institute.
- Hashemi Haeri, A. (March 14, 1316), "Garmābeha", Eṭelā'āt newspaper, Asr edition, No. 3416.
- Yaghma (June 1339), "Reports", 13th year, number three, republished in Yaghma magazine (1363), Tehran: Iran Publications.